**از اشک عرفه تا ذبح قربان**

**  
از اشک عرفه تا ذبح قربان**

**روز عرفه:**

امام صادق (علیه السلام )فرموده اند :«كسى كه در ماه رمضان آمرزیده نگردد تا رمضان آینده آمرزیده نمى‌گردد؛ مگر این كه روز عرفه را درك كند»  
عرفات، نام منطقه وسیعى است با مساحت حدود 18 كیلومتر مربع در شرق مكه معظمه، اندكى متمایل به جنوب كه در میان راه طائف و مكه قرار گرفته است. زائران بیت‌الله الحرام در روز عرفه - نهم ذى حجّه - از ظهر تا غروب در این منطقه حضور دارند. در نقلى آمده است كه آدم و حوّا(علیه السلام) پس از هبوط از بهشت و آمدن به كره خاكى، در این سرزمین همدیگر را یافتند و به همین دلیل، این منطقه «عرفات» و این روز «عرفه» نام گرفته است. چنین گفته اند كه جبرائیل علیه السلام هنگامی كه مناسك را به ابراهیم می آموخت ، چون به عرفه رسید به او گفت «عرفت» و او پاسخ داد آری ، لذا به این نام خوانده شد و نیز گفته اند سبب آن این است كه مردم از این جایگاه به گناه خوداعتراف میكنند و بعضی آن را جهت تحمل صبر و رنجی میدانند كه برای رسیدن به آن باید متحمل شد . چرا كه یكی از معانی «عرف » صبر و شكیبایی و تحمل است .   
عرفه، از عیدهاى بزرگ است؛ هر چند عید نامیده نشده است و روزى است كه حق تعالى بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود دعوت كرده،سفره جود و احسان خود را براى آنها گسترده است. شیطان دراین روز، از همه اوقات خوارتر وحقیرتر وخشمناك‌تر است.  
روایت شده كه حضرت زین‌العابدین(علیه السلام) در روز عرفه صداى فقیرى را شنید كه از مردم كمك مى‌خواست. حضرت فرمود: واى بر تو! آیا دست نیاز به سوى غیر خدا دراز مى‌كنى؛ در حالى كه امید مى‌رود در این روز بچه‌هایى كه در شكم مادر هستند، مورد فضل و لطف الهى قرار گیرند و سعادت‌مند گردند؟   
بهترین عمل در روز عرفه دعا است و در میان روزهاى سال، این روز براى دعا امتیاز ویژه‌اى دارد.

**تاریخچه عرفه**

صحرای عرفات در خود خاطراتی از مردان بزرگ الهی چون آدم ، ابراهیم ، خاتم الانبیاء و حضرت سید الشهداء(علیهم السلام) دارد که حضور هر یک با عنایات خاص حضرت حق همراه بوده است .

**حضرت آدم (علیه السلام) در عرفات:**

فَتَلَقي آدَمُ مِنْ رَبِّه كَلماتًُ فتابَ عَليهِ اِنَّه’ هو التَّوابُ الرّحيمْ  
آدم از پروردگارش كلماتي دريافت داشت و با آن بسوي خدا بازگشت و خداوند، توبه او را پذيرفت، چه او توبه پذير مهربان است.  
طبق روايت امام صادق(ع)، آدم (علیه السلام) پس از خروج از جوار خداوند، و فرود به دنيا، چهل روز هر بامداد بر فرار كوه صفا با چشم گريان در حال سجود بود، جبرئيل بر آدم فرود آمد و پرسيد:  
ـ چرا گريه مي كني اي آدم؟  
ـ چگونه مي توانم گريه نكنم در حاليكه خداوند مرا از جوارش بيرون رانده و در دنيا فرود آورده است.  
ـ اي آدم به درگاه خدا توبه كن و بسوي او بازگرد.  
ـ چگونه توبه كنم؟  
جبرئيل در روز هشتم ذيحجه آدم را به مني برد، آدم شب را در آنجا ماند. و صبح با جبرئيل به صحراي عرفات رفت، جبرئيل بهنگام خروج از مكه، احرام بستن را به او ياد داد و به او لبيك گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسيد تلبيه را قطع كرد و به دستور جبرئيل غسل نمود و پس از نماز عصر، آدم را به وقوف در عرفات واداشت و كلماتي را كه از پروردگار دريافت كرده بود به وي تعليم داد، اين كلمات عبارت بودند از:  
"سبحانک اللهم و بحمدک لا اله الا انت عملت سوء و ظلمت نفسی و اعترف بذنبی اغفر لی انک انت الغفور الرحیم "  
آدم (علیه السلام) تا بهنگام غروب آفتاب همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشك مي ريخت، وقتيكه آفتاب غروب كرد همراه جبرئيل روانه مشعر شد، و شب را در آنجا گذراند. و صبحگاهان در مشعر بپاخاست و در آنجا نيز با كلماتي به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه گذاشت......

**حضرت ابراهيم (علیه السلام) در عرفات**

در صحراي عرفات، جبرئيل، پيك وحي الهي، مناسك حج را به حضرت ابراهيم (علیه السلام) نيز آموخت و حضرت ابراهيم (علیه السلام) در برابر او مي فرمود: عَرِفتُ، عَرِفتُ (شناختم، شناختم).

**پيامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در عرفات**

و نيز دامنه كوه عرفات در زمان صدر اسلام كلاس صحرايي پيامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفته مفسرين آخرين سوره قرآن در صحراي عرفات بر پيغمبر (ص) نازل شد و پيغمبر اين سوره را كه از جامع ترين سوره هاي قرآن است و داراي ميثاق و پيمانهاي متعدد با ملل يهود، مسيحي و مسلمان و علماي آنها مي باشد، و قوانين و احكام كلي اسلام را در بر دارد، به مردم و شاگردانش تعليم فرمود.  
و طبق مشهور ميان محدثان پيامبر (ص) در چنين روزي سخنان تاريخي خود را در اجتماعي عظيم و با شكوه حجاج بيان داشت:  
...... اي مردم سخنان مرا بشنويد! شايد ديگر شما را در اين نقطه ملاقات نكنم. شما به زودي بسوي خدا باز مي گرديد. در آن جهان به اعمال نيك و بد شما رسيدگي ميشود. من به شما توصيه مي كنم هركس امانتي نزد اوست بايد به صاحبش برگرداند. هان اي مردم بدانيد ربا در آئين اسلام اكيداً حرام است. از پيروي شيطان بپرهيزيد. به شما سفارش مي كنم كه به زنان نيكي كنيد زيرا آنان امانتهاي الهي در دست شما هستند، و با قوانين الهي بر شما حلال شده اند.  
......... من در ميان شما دو چيز بيادگار مي گذارم كه اگر به آن دو چنگ زنيد گمراه نمي شويد، يكي كتاب خدا و ديگري سنت و (عترت) من است.  
هر مسلماني با مسلمان ديگر برادر است و همه مسلمانان جهان با يكديگر برادرند و چيزي از اموال مسلمانان بر مسلماني حلال نيست مگر اينكه آنرا به طيب خاطر به دست آورده باشد.....

**صحراي عرفات همايش شناخت و خودسازي امام حسين (علیه السلام)**

حضرت سيدالشهدا، امام حسين (علیه السلام) نيز بعد از ظهر روز عرفه همراه با فرزندان و گروهي از اصحاب از خيمه هاي خود در صحراي عرفات بيرون آمدند، و روي به دامن «كوه رحمت» نهادند و در سمت چپ كوه روي به كعبه، همايشي تشكيل دادند، كه موضوع آن بمناسبت روز عرفه (روز شناخت)، شناخت و سازندگي بود. اين همايش، تنها جنبه علم و معرفت نداشت بلكه شناخت توأم با عمل و سازندگي و تزكيه و خودسازي بود و فهرست مطالب آن عبارت بودند از:  
1ـ شناخت خدا و صفات الهي.  
2ـ شناخت خود يا خودشناسي.  
3ـ شناخت جهان.  
4ـ شناخت آخرت.  
5ـ شناخت پيامبران.  
6ـ خودسازي با صفات الهي.  
7ـ پرورش نفس با كمالات الهي.  
8ـ توبه و بازگشت به خداي مهربان.  
9ـ دور كردن صفات نكوهيده از خود با تسبيح پروردگار.  
10ـ فراگيري راه تعليم و تربيت از خدا.  
11ـ شناخت و درخواست بهترين مسئلت ها.  
12ـ تبديل خود پرستي نفس به خدا پرستي.  
13ـ تبديل خود برتر بيني نفس به تواضع و فروتني.  
14ـ تبديل خودخواهي نفس به ايثار و غير خواهي.  
15ـ تعليم مفاهيم و ادبيات قرآن.

**نگاهی دقیق تر به دعای عرفه حسین بن علی(علیهما السلام)**

روز عرفه داراى دعاهاى فراوانى است؛ ولى در این میان، دعاى عرفه امام حسین(علیه السلام) داراى جایگاه ممتاز،أخص و ویژه است و در واقع، ناب‌ترین و عمیق‌ترین معارف الهى و توحیدى در این دعا، بر زبان سالار شهیدان(علیه السلام) جارى گشته است.   
عصر روز عرفه امام حسین(علیه السلام) با گروهى از خاندان و فرزندان و شیعیان، با نهایت خاكساری و خشوع از خیمه بیرون آمدند و در جانب چپ كوه ایستادند. امام(علیه السلام) چهره مبارك خود را به سوى كعبه گردانید مانند مسكین نیازمندى كه غذا مى‌طلبد، دست‌ها را برابر صورت خود گرفت و دعایش را چنین آغاز كرد:   
«الحمدلله الذى لیس لقضائه دافع و لا لعطائه مانع و لا كصنعه صانع و هو الجواد الواسع؛ سپاس خداوندى را سزاست كه چیزى قضایش را دور نمى‌سازد و از عطا و بخشش او جلوگیرى نمى‌كند و هیچ آفریننده‌اى آفرینش او را ندارد و او سخاوت‌مندى عالم گستر است.»  
حضرت(علیه السلام) سپس به بیان گوشه‌اى از نعمت‌هاى بى پایانِ خداوند كه انسان را در تمام مراحل رشد و تكامل در برگرفته، مى‌پردازد و مهربانى مادران و دایه‌ها و مواظبت و پرستارى و دل‌سوزى آنان را از الطاف و عنایت‌هاى خداوند مى‌شمرد؛ سپس به لزوم شكر نعمت‌هاى الهى اشاره مى‌كند و خود را از اداى یك شكر نیز عاجز و ناتوان مى‌بیند. هر فرازى از این دعا، دریچه‌اى از نور و توحید و عشق و محبت به خداوند را به سوى دل انسان مى‌گشاید و عباراتِ دعا و محتواى آن، نشان مى‌دهد كه امام حسین(علیه السلام) در حال این دعا یك سره از خود و عالم غافل گشته، تمام جهان را به یك سو نهاده، با همه وجود حضور خداوند و احاطه و اشراف او به همه ذرات هستى و نفوذ علم و قدرت و حیات او را بر تك تك ذرات و موجودات عالم مشاهده مى‌نماید و آن چه را كه دیده، بر زبان آورده است. امام حسین(علیه السلام) مى‌خواهد با این نیایش، انسان و خدا را بشناساند و نزدیكى آن را به هم بنماید. او با این نیایش، منطقى‌ترین و واقعى‌ترین رابطه انسان با خداوند را با زیباترین شكل به تصویر می كشد.   
دعاى عرفه سیدالشهداء(علیه السلام) سراسر نور و عرفان پروردگار است و آمیزه‌اى از شور و عشق و محبت و معرفت به ذات پاك خداوندی است. در فرازهاى این دعا، امام حسین(علیه السلام) با خداوند چنین عاشقانه زمزمه مى‌كند:   
خداوندا! اجازه فرما تا دمى چند در برابرت به زانو درافتم و قطراتى از اقیانوسِ جان، نثار بارگاهت نمایم. خیال دورى راه تا درگاه جمالت خسته و فرسوده ام كرده است كه:   
**از گِل آدم شنیدم بوى تو   
راه‌ها پیموده‌ ام تا كوى تو**خدایا! موجوداتى كه در هستى خود نیازمند تو هستند، چگونه مى‌توانند راهنماى من به سوى تو باشند؟   
پروردگارا! آیا حقیقتى غیر از تو آن روشنایى را دارد كه بتواند تو را بر من آشكار سازد؟ كى از نظر غایب و پنهان بوده‌اى كه نیازمند راهنمایى به سوى خود باشى و چه وقت از من دور بوده‌اى تا نمودهاى جهان مرا به تو برساند؟  
**همه عالم به نور توست پیدا   
كجا گردى تو از عالم هویدا؟**خدایا! روشنایى جمال و جلالت در جهان هستى آشكارتر از هر چیز است و وجودِ تو خِفا و پوشیدگى ندارد تا چراغى سر راه بگیرم و بارگاه ربوبى تو را جست و جو نمایم و یا دلیلى را راهنماى خود به سوى تو قرار دهم؛ چون فروزنده چراغ تو و سازنده دلیل و راهنما، تویى.   
خداى من! چشمى كه تو را بر خود نگهبان و مراقب نبیند، كور و فرو بسته باد و بنده‌اى كه از متاع محبت تو بى بهره باشد، سرمایه باخته و ورشكسته باد.  
**دیده‌اى كان چهره روشن نبیند كور باد   
خاطرى كَز توست خالى، تیره و بى نور باد**امام حسین(علیه السلام) با این دعا روحى تازه به كالبد عرفات دمید و این نغمه خوش آسمانى و آواى دل‌انگیز ملكوتى را تا ابد در سینه سیناى عرفات به یادگار گذاشت.  
**از صداى سخن عشق ندیدم خوش‌تر   
یادگارى كه در این گنبد دوّار بماند**صحراى عرفات كالبد و امام حسین(علیه السلام) روحِ آن است و به همین دلیل حق تعالى، در روز عرفه پیش از آن كه به اهل موقفِ عرفات نظر لطف كند، به زائران قبر پاك حسین(علیه السلام) نظر رحمت مى‌افكند.

**فرازهایی از دعای عرفه حسین بن علی(علیهما السلام)**

**1ـ ستايش حق تعالي:**

ستايش سزاوار خداوندي است كه كس نتواند از فرمان قضايش سرپيچد و مانعي نيست كه وي را از اعطاي عطايا، باز دارد. و صنعت هيچ صنعتگري بپاي صنعت او نرسد. بخشنده بيدريغ است. اوست كه بدايع خلقت را بسرشت و صنايع گوناگون وجود را با حكمت خويش استوار ساخت.......

**2ـ تجديد عهد و ميثاق با خدا:**

پروردگارا بسوي تو روي آورم. و به ربوبيت تو گواهي دهم. و اعتراف كنم كه تو تربيت كننده و پرورنده مني. و بازگشتم بسوي توست. مرا با نعمت آغاز فرمودي قبل از اينكه چيز قابل ذكري باشم.......

**3ـ خود شناسي:**

و قبل از هدايت مرا با صنع زيبايت مورد رأفت و نعمتهاي بيكرانت قرار دادي. آفرينشم را از قطره آبي روان پديد آوردي. و در تاريكيهاي سه گانه جنيني سكونتم دادي: ميان خون و گوشت و پوست. و مرا شاهد آفرينش خويش نگرداندي و هيچيك از امورم را بخودم وا نگذاشتي........

**4ـ راز آفرينش انسان:**

ولي مرا براي هدفي عالي يعني هدايت (و رسيدن به كمال) موجودي كامل و سالم بدنيا آوردي. و در آن هنگام كه كودكي خردسال در گهواره بودم، از حوادث حفظ كردي. و مرا از شير شيرين و گوارا تغذيه نمودي. و دلهاي پرستاران را بجانب من معطوف داشتي. و با محبت مادران به من گرمي و فروغ بخشيدي........

**5ـ تربيت انسان در دانشگاه الهي:**

تا اينكه با گوهر سخن مرا ناطق و گويا ساختي. و نعمتهاي بيكرانت را بر من تمام كردي. و سال به سال بر رشد و تربيت من افزودي. تا اينكه فطرت و سرنوشتم، به كمال انساني رسيد. و از نظر توان اعتدال يافت. حجتت را بر من تمام كردي كه معرفت و شناختت را به من الهام فرمودي.......

**6ـ نعمتهاي خداوند:**

آري اين لطف تو بود كه از خاك پاك عنصر مرا بيافريدي. و راضي نشدي اي خدايم كه نعمتي را از من دريغ داري. بلكه مرا از انواع وسائل زندگي برخوردار ساختي. با اقدام عظيم و مرحمت بيكرانت بر من. و باحسان عميم خود نسبت به من، تا اينكه همه نعماتت را درباره من تكميل فرمودي......

**7ـ شهادت به بيكراني نعمت هاي الهي:**

الهي! من به حقيقت ايمانم، گواهي دهم. و نيز به تصميمات متيقن خود و به توحيد صريح و خالصم  
و به باطن ناديدني نهادم. و پيوستهاي جريان نور ديده ام. و خطوط ترسيم شده بر صفحه پيشاني ام، و روزنه هاي تنفسي ام، و نرمه های تيغه بيني ام. و آوازگيرهاي پرده گوشم و آنچه در درون لبهاي من پنهان است......

**8ـ ناتواني بشر از بجا آوردن شكر الهي:**

گواهي مي دهم اي پروردگار كه اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بكوشم تا شكر يكي از نعمات تو بجا آورم، نتوانم مگر باز هم توفيق تو رفيقم شود، كه آن خود مزيد نعمت و مستوجب شكر ديگر، و ستايش جديد و ريشه دار باشد...........

**9ـ ستايش خداي يگانه:**

معهذا من با تمام جد و جهد و توش و توانم تا آنجا. كه وسعم مي رسد با ايمان و يقين قلبي گواهي مي دهم. و اظهار مي دارم:  
حمد و ستايش خدايي را كه فرزندي ندارد تا ميراث برش باشد. و در فرمانروايي نه شريكي دارد تا با وي در آفرينش بر ضديت برخيزد و نه دستياري دارد تا در ساختن جهان به وي كمك دهد.....

**10ـ خواسته هاي يك انسان متعالي:**

خداوندا، چنان كن كه از تو بيم داشته باشم، آنچنان كه گويي تو را مي بينم و مرا با تقوايت رستگار كن! اما بخاطر گناهانم مرا به شقاوت دچار مساز! مقدر كن كه سرنوشت من به خير و صلاح من باشد. و در تقديراتت خير و بركت بمن عطا فرما!

**11ـ سپاس به تربيت هاي الهي:**

خداوندا! ستايش از آن تست كه مرا آفريدي. و مرا شنوا و بينا گرداندي! و ستايش سزاوار تست كه مرا بيافريدي و خلقتم را نيكو بياراستي. بخاطر لطفي كه به من داشتي والا......

**12ـ نيازهاي تربيتي از خدا:**

و مرا بر مشكلات روزگار، و كشمكش شبها و روزها ياري فرماي! و مرا از رنجهاي اين جهان و محنتهاي آن جهان نجات بده و از شر بديهايي كه ستمكاران در زمين مي كنند نگاه بدار.............

**13ـ شكايت به پيشگاه خداوند:**

خدايا! مرا به كه وا مي گذاري؟ آيا به خويشاوندي كه پيوند خويشاوندي را خواهد گسست؟ يا به بيگانه كه بر من بر آشفتد؟ يا به كسانيكه مرا به استضعاف و استثمار كشانند؟ در صورتيكه تو پروردگار من و مالك سرنوشت مني؟

**14ـ اي مربي پيامبران و فرستنده كتب آسماني:**

اي خداي من و اي خداي پدران من! ابراهيم، اسماعيل، اسحق و يعقوب، و اي پروردگار جبرئيل، مكائيل و اسرائيل. و اي تربيت كننده محمد، خاتم پيامبران و فرزندان برگزيده اش. اي فرو فرستنده تورات، انجيل زبور و فرقان......

**15ـ تو پناهگاه مني:**

تو پناهگاه مني، بهنگامي كه راهها با همه وسعت، بر من صعب و دشوار شوند و فراخناي زمين بر من تنگ گردد. و اگر رحمت تو نبود من اكنون جزء هلاك شدگان بودم. و تو مرا از خطاهايم باز مي داري. و اگر پرده پوشي تو نبود از رسوايان بودم.

**عید بزرگ قربان**

اولین معنایی كه از عید به ذهن میرسد، تغییراتی است كه انسان از ظاهر خود و یا در طبیعت میبیند . این آرایش ظاهری همچون پوشیدن لباس نو و آمدن بهار طبیعت به یك معنا عید نامیده شده است  
در روایتی از امیر المومنین علی علیه السلام آمده است كه : هر روزی كه انسان در آن به زشتی آلوده نگردد آن روز عید است چرا كه زشتی مهمترین بستر ظهور نزاع میان آدمیان است وباعث برهم خوردن آرامش درونی و بیرونی انسانها میگردد و این همان چیزی است كه با عید یعنی آرامش و شادمانی منافات دارد .  
از سوی دیگر حركت انسانها به سوی علم و معرفت همواره با شادمانی و نشاط توأم است خاصه آنكه وقتی انسان معنای جدیدی كشف میكند ، ابتهاج زائد الوصفی تمام وجود آدمی را در بر میگیرد ، آن لحظه تازه عید نامیده می شود .   
معنای دیگری كه از عیدعارفان به ما آموخته اند ، جان باختن و قربانی كردن جان خویش در پای معشوق است . و نماد ظاهری آن ایام حج و عید قربان است كه حیوانی را انسان به عنوان تحفه و هدیه به طرف جایگاه معینی میبرد تا برای كامل شدن عبادت قربانی كند .   
كشته شدن در پای محبوب و قربانی كردن خود مهمترین تعریفی است كه مولوی ازعید به ما می دهد  
آری عید قربان یاد آور آزمایشهای سخت و سنگین الهی از حضرت ابراهیم (علیه السلام ) و ذبح حضرت اسماعیل (علیه السلام )است عید قربان یكى از اعیاد بزرگ اسلامى است كه داراى منزلتى والا نزد عموم مسلمانان می باشد.   
عید قربان روز خجسته و مباركى است كه مسلمانان به حج رفته، پس از تمام شدن‌اعمال حجشان، قربانى مى‌كنند و پس از قربانى، آنچه بر آنان در حال احرام حرام شده‌ بود، حلال مى‌گردد، لذا آن روز را عید تلقى مى‌كنند عیدى كه پس از انجام وظایف‌سنگین حج، به عنوان جایزه الهى و رهایى از احرام پیش مى‌آید. و هم چنین این روزبراى سایر مسلمانان جهان نیز عید است و احترام ویژه دارداین روز، روز گرفتن جایزه از خداى منان است، روزى است كه باید در آن‌ آهنگ گناه نشود و انسان‌هاى مؤمن، با استفاده از چنین روز باعظمتى كه درهاى بهشت‌بر رویشان گشوده مى‌شود و باب رحمت الهى باز مى‌گردد، دست‌هاى آلوده از گناه خویش‌را به سوى آسمان بلند كنند و با تضرع و زارى، به پیشگاه رحمان و رحیم، درخواست‌مغفرت و آمرزش نمایند و حاجت‌هاى فردى و نیازهاى اجتماعى و گروهى خود را با امیداستجابت و روا شدن، بطلبند و بسیار عبادت و نیایش كنند. و قربانى در این روزاگر براى زائران خانه خدا واجب است، براى سایر مسلمانان نیز سنت موكد است و برآن تاكید فراوان شده است.   
در روایت‌هاى مكررى نقل شده كه در روز عید اضحى قربانى كنید تا گرسنگان وبیچارگان از خوردن گوشت‌سیر شوند; آنان كه روزها بلكه ماه‌ها توان تهیه گوشت‌براى خانواده خویش را ندارند، در این روز فرخنده كه براى همگان عید است وبسیار خجسته و مبارك است، خوشحال گردند و از خوردن گوشت‌حلال، بى‌منت،سیر شوند.  
و امروز روز «تكبیر» است; تكبیرى گویا، كوبنده، محكم و بامحتوا، تكبیرى كه‌بازتابش كاخ ستمگران را به لرزه درآورد و قلب ستم ‌دیدگان را شاد سازد; تكبیرى كه دشمنان را براى همیشه از ضربه زدن به اسلام، نومید گردان.  
منبع:پايگاه استاد حسين انصاريان